

زیدان آسیا

همان‌طور که بر همگان واضح و مبرهن است ما خودمان خیلی ورزش را دوست داریم و به قول بابایمان ارادات ویژه‌ای به ورزش کاران داریم و اگر تعریف از خود نباشد خیلی ورزشکار بزرگی در محله‌مان هستیم. ولی وقتی خواستیم انشایمان را آغاز کنیم بابایمان همین طوری محض راهنمایی گفت بنویسیم ما ورزش را دوست داریم، اما در چهارچوب و قواعد خودش! و هر چه پرسیدیم که این چهارچوب و قواعد یعنی چه؟ گفت که ما در امور شخصی شما دخالت نمی‌کنیم، ولی شما غلط می‌کنید که می‌روید تیم فوتبال برای خودتان راه می‌اندازید و می‌روید با تیم محله بالا بازی می‌کنید و آنها را سه هیچ می‌زنید و تا شب «قهرمانان، پهلوانان» بیخ گوششان می‌خوانید تا لج آنها در بیاید و با سنگ و چوب بزنند لت و پارتان کنند و تازه آن لباس نواتان را هم پاره کنند و ما دلمان بسوزد؛ بنابراین باید نتیجه‌گیری که ورزش را فقط در چهارچوب زنگ ورزش، آن هم در حدی که معلم ورزشتان یک نمره بخور و نمیری بهت بدهد، دوست داشته باشی و هیچ‌وقت نباید فکر کنی که حالا خبری شده و فردا برای خودت می‌شوی زیدان آسیا و روزنامه‌ها هی برای مبلغ قراردادت گمانه‌زنی می‌کنند و تو هی می‌گویی که من سقف را رعایت کرده‌ام و نمی‌کنی!!

پس ای پسر! بدان و آگاه باش که البته شما بسیار بی‌جا می‌کنی که حالا یک ورزش دیگری غیر از فوتبال را هم دوست داشته باشی و بخواهی فردا روزی بروی اولش بشوی باعث افتخار من و ننهات و آخرش هم بگویی که مربی چیز خورت کرده و می‌خواهی بروی از همه دنیا شکایت کنی که چرا آنها مواظب نبودند که تو دوپینگ کرده‌ای!!

پس ما از این انشاء نتیجه می‌گیریم که باید مواظب باشیم پیش خودمان فکرهای زیادی نکنیم و اصلاً از ورزش کردن و این جور کارهای بی‌تربیتی دوری کنیم، ولی به معلم ورزشمان نگوییم!

